

از اطاعت ابراهیم، تا نجات ما

پیدایش ۲۲: ۱-۳

و واقع شد بعد از این وقایع، که خدا ابراهیم را امتحان کرده، بدو گفت: « ای ابراهیم!» عرض کرد «لبیک». گفت « اکنون پسر خود را، که یگانه ی توست و او را دوست می داری، یعنی اسحاق را بردار و به زمین مورییا برو، و او را در آنجا، بر یکی از کوههایی که به تو نشان می دهم، برای قربانی سوختنی بگذران.»

وقتی این قسمت را میخواندم، تا مدتها بدون توجه به معنی آن، از آن میگذشتم و فقط مصلوب شدن مسیح برایم تداعی میگشت. اما این بار، با دقت در آن، موضوع برایم فرق کرد. چرا خداوند این آزمون را برای ابراهیم قرار داد؟ آیا با روش دیگری ایمان ابراهیم ارزیابی نمیشد؟ البته که خداوند از میزان ایمان ابراهیم مطلع بود چراکه او ابتدا و انتهای همه چیز را میداند. پس چرا قربانی کردن اسحق؟ او (اسحق) که قرار بود نسلش به تعداد ستارگان آسمان باشد (برکت به/از نسل او باشد). نکاتی که بدست آوردم، برای خواننده نیز دلنواز خواهد بود؛ و چقدر بیشتر معنا مییابد که در این روزهای مقدس و نزدیک به مصلوب شدن خداوند، عیسی مسیح، و در نور صلیب آنرا مطالعه کنیم.

یکبار دیگر این دو آیه را بخوانیم. به چند جمله ی آشنا برمیخوریم.

« اکنون پسر خود را، که یگانه ی توست و او را دوست می داری...»

و حالا عمیق تر به آن بیاندیشیم. این جملات در عهد جدید تکرار شده اند.

- عیسی، پسر یگانه ی خدا (یوحنا ۳: ۱۶) که او را دوست میداشت .

- آنگاه خطابی از آسمان در رسید که: « این است پسر حبیب من که از او خشنودم.» متی ۳: ۱۷؛

- و هنوز سخن بر زبانش بود که ناگاه ابری درخشنده بر ایشان سایه افکند و اینک آوازی از ابر در رسید که:

« این است پسر حبیب من که از وی خشنودم. او را بشنوید.» ۱۷: ۵

در چندین جای دیگر نیز همین جملات را درباره ی عیسی میخوانیم. مشابهت این جملات با آنچه که در داستان قربانی کردن اسحق میخوانیم، ذهن ما را بر این میدارد تا واقعیت قربانی شدن عیسی برای گناهانمان را بیشتر درک کنیم.

اما آنچه که میخوایم به آن اشاره کنم، نه داستان قربانی شدن اسحق و نه واقعیت مصلوب شدن عیسی است. بلکه مکان رویداد است.

دوباره پیدایش ۲۲: ۲ را بخوانیم: گفت « اکنون پسر خود را، که یگانه ی توست و او را دوست می داری، یعنی اسحاق را بردار و به زمین مورییا برو، و او را در آنجا، بر یکی از کوههایی که به تو نشان می دهم، برای قربانی سوختنی بگذران.»

زمین موريا

منطقه ای کوهستانی که تنها دو مرتبه در کتاب مقدس از آن نام برده شده است. بینیم در این زمین چه اتفاقاتی رخ داده است. نخستین بار، در پیدایش ۲۲: ۲ و دومین بار در ۲ تواریخ ۳: ۱ و سلیمان شروع کرد به بنا نمودن خانه ی خداوند در اورشلیم بر کوه **موريا**، جایی که (خداوند) بر پدرش داود ظاهر شده بود، جایی که داود در خرمنگاه ارنون یبوسی تعیین کرده بود.

بعدا نگاهی نیز به ماجرای خرمنگاه ارنون یبوسی خواهیم انداخت. اما نکته ی مهمی که باید بدان توجه کنیم بنای **خانه ی خداوند** در مکانی است که اسحق میبایست قربانی شود. وقتی رابطه ی میان این دو رویداد را یافتیم احساس کردم یک قدم به پاسخ سوالهایم نزدیکتر شده ام. در این مکان، سلیمان معبد را ساخت. و شهر اورشلیم به مرور وسعت یافت. دیوارهای جدید در برابر دیوارهای قدیمی برافراشته شدند. اکنون ۲ سموئیل ۲۴: ۱۸ - ۲۴ را بخوانیم. در اینجا نیز خداوند است که به نبی خود (جاد) میگوید که داود چه باید بکند. از آنچه که از مفهوم داستان بر می آید، بنظر نمی آید که داود از تاریخ آن منطقه (مکانی که اسحق باید قربانی میشد) آگاهی داشته باشد.

تپه ی جلجتا

بیرون از دیوارهای اورشلیم، در همان زمین موريا، تپه ای قرار داشت که به آن جلجتا میگفتند. و در این مکان عیسی مسیح مصلوب شد. قدم آخر در جواب سوال. چرا:

- دستور قربانی کردن اسحق، آن هم در جایی که خود خدا برای ابراهیم تعیین کرد.
- دستور خدا به داود برای بنای مذبح در خرمنگاه ارنون یبوسی.
- بنای معبد در مکان خریداری شده توسط داود.
- و در نهایت مصلوب شدن عیسی.

حال دانستیم که چگونه وقایع در طول زمان تحت نظارت خداوند رخ میدهند و چگونه نتیجه می یابند. ابراهیم، اسحق، داود، سلیمان و ... در طول تاریخ آمدند و بخشی از برنامه خدا را انجام دادند و شاید بدون آگاهی از آینده، این دنیا را رها کردند و رفتند. اما خداوند ناظر بر دنیا، همچنان امور را در دست دارد.

و اکنون زندگی ما

در زندگی، با شرایط سختی مواجه میشویم که نمیدانیم چگونه از آن بگذریم؛ با خودمان و خدا کلنجار میرویم. اما یک چیز را در نظر نمیگیریم. خدا محبت است. او از فشار و ناراحتی ما لذت نمیبرد. بلکه او خدایی است پر از محبت. او هیچ وقت از ما نمیخواهد که کاری مافوق از توانمان انجام دهیم. خدا نه میخواهد که ابراهیم اسحق را بکشد و نه بخاطر اطاعت او از خواست خود منصرف شد. او برنامه ای عظیم تر در نظر داشت. ابراهیم نمیدانست که عیسی مسیح هزاران سال بعد در همان مکان قربانی خواهد شد و نجات انسانها و آشتی آنها با خدا برایشان رایگان خواهد بود. او فقط اطاعت کرد. ما نیز از آینده بی خبریم. اما باید این را بدانیم که خدا محبت است و چقدر خوب است که مثل ابراهیم با خدا برای برنامه های او همکاری کنیم.